

سوره چهل و ششم - احقاف

این سوره در مکه نازل شده و ۳۵ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

ح.ا. میم. (۱) نزول این کتاب از جانب خدای بی‌همتای فرزانه است. ما آسمان‌ها و زمین و هر چه را که میان آنها است جز به حق و برای مدت معینی نیافریده‌ایم و کسانی که کفر ورزیدند از هر چه بیم داده شوند روی برتابند! بگو آن چه را که به بجز خدا می‌خوانید به من نشان دهید که در روی زمین چه آفریده‌اند؟ یا در خلقت آسمان‌ها چه شرکتی داشته‌اند؟ اگر راست می‌گوئید کتاب و آثاری از دانش آنها، که پیش از این بوده، بر من بیاورید! و گمراه‌تر از آن کس کیست که از غیر از خدا چیزی بخواهد و تا روز قیامت او جوابش نگوید و آنها خود از درخواست آنها بی‌خبرند! و چون مردم (در قیامت) برانگیخته شوند آن (پرستش شده‌ها) دشمن (پرستندگان خود) گردند و پرستش آنها را انکار نمایند. و چون آیات روشن ما بر آنها خوانده شود آنهایی که حق را انکار کردند (در حالی که) این حق بر آنها آمده بود، گویند این جادوی آشکار است. یا گویند که او (محمد) آن را به دروغ ساخته است! بگو اگر من آن را به دروغ ساخته باشم در مقابل (انتقام) خدا شما کاری برای من نتوانید بکنید. خدا بدان چه درباره آن گفتگو می‌کنید دانتر است. کافیس است که او بین من و شما گواه باشد و او آمرزگار مهربان است. بگو من نودرآمدی از پیامبران نیستم و نمی‌دانم که با من و شما چه خواهند کرد غیر از آن چه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و من جز یک بیم‌دهنده آشکار نیستم! (۲ - ۹)

بگو چه فکر می‌کنید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما بر آن کفر ورزید و شهادی از بنی اسرائیل به درستی آن گواهی دهد و بدان ایمان آورد و شما گردنکشی کنید؟ البته خدا گروه ستمگاران را هدایت نمی‌نماید! کافران بر مؤمنان گویند اگر این دین خوب بود اینان (فقرا و تنگدستان) در آن بر ما سبقت نمی‌یافتند. و چون بدان هدایت نیافته‌اند خواهند گفت این همان افسانه‌های پیشینیان است! پیش از آن هم کتاب موسی پیشوا و رحمتی برای مردم بود، و این کتاب (قرآن) تصدیق‌کننده آن است به زبان عربی. تا ستمگاران را بیم دهد و بر نیکوکاران بشارتی باشد! کسانی که گفتند پروردگار ما "الله" است و در این گفته استقامت ورزیدند بر آنان ترسی نیست و هرگز اندوهگین نگردند. آنها اهل بهشتند و به پاداش اعمالی که انجام داده‌اند در آن جاویدان بمانند! (۱۰ - ۱۴)

ما به انسان در حق پدر و مادرش احسان و نیکی را سفارش کردیم. مادرش به دشواری بار او را حمل کرد و به دشواری وضع حمل نمود. بار داشتن او و از شیر گرفتنش سی ماه باشد. تا آنگاه که کمال یابد و به چهل سالگی برسد و گوید پروردگار! به من توفیق بده نعمتی را که بر من و پدر و مادرم عطا کردی شکر گزارم و کارهای نیکو که تو به پسندی به جای آرم. و فرزندان مرا از نیکان و صالحان قرار ده که من به درگاه تو روی آوردم و من از مسلمانانم. آنها کسانی هستند که اعمال نیکشان را می‌پذیریم و در زمره اهل بهشت از گناهانشان درمی‌گذریم. این وعده حق است که به آنها داده شده است. (۱۵ - ۱۶)

و آن کس که به پدر و مادرش گفت وای بر شما که مرا با این می‌ترسانید که از قبر درآورده می‌شوم در حالی که پیش از من مردمانی درگذشته‌اند (و یکی درنیمه)! آن دو خدا را به فریاد می‌خوانند (بدو می‌گفتند) وای بر تو! ایمان بیار که وعده خدا راست است و او گفت که این همان افسانه‌های پیشینیان است. در امت‌های پیشین، از جن و انس، این کسان

بودند که وعده عذاب خدا بر آنها واجب آمد همانا آنها زیانکار شدند! همه را در برابر کار هائی که کرده‌اند مراتبی است و بی‌شک همه به سزای اعمال خویش می‌رسند و هرگز بر آنها ستمی روا نگردد! و روزی که کافران را به آتش دوزخ عرضه کنند گویند شما خوشی‌ها و لذت‌های خود را در زندگی دنیا بردید و از آنها برخوردار شدید. امروز به سبب آن چه به ناحق در زمین گردنکشی و تکبر می‌کردید و به خاطر تبهکاری‌هائی که انجام دادید شما را عذاب خواری و مذلت خواهند داد! (۱۷ - ۲۰)

برادر عادیان را یاد کن که قوم خود را در سرزمین احقاف بیم داد. همانا پیش از او و بعد از او بیم‌دهندگانی آمده (گفتند) جز خدا را نپرستید که من از عذاب روز بزرگ (قیامت) بر شما بیم‌ناکم! گفتند مگر تو آمدی که ما را از معبودانمان برگردانی؟ پس اگر راست می‌گویی آن چه را که به ما وعده می‌دهی بیار! گفت به یقین که علم آن پیش خداست و من آن چه را که برای آن فرستاده شده‌ام به شما ابلاغ می‌نمایم. اما شما را قومی جهالت‌پیشه می‌بینم! و چون عذاب را به صورت ابری دیدند که به سرزمینشان روی آورده گفتند این ابری است که برای ما باران خواهد آورد. (نه!) بلکه این همان چیزی است که بر آمدنش شتاب می‌کردید. بادی است که در آن عذاب دردناکی می‌باشد! که به امر خدا همه چیز را نابود می‌کند. پس بامداد چنین شدند که جز مسکن‌هایشان دیده نمی‌شد و ما این چنین گروه گناهکار را کیفر می‌دهیم! و به یقین آنها را در آن سرزمین در چیزهائی تمکّن داده بودیم که شما را نداده‌ایم و بر آنها گوش و دیدگان و دل‌ها داده بودیم اما هنگامی که آنها آیات خدا را انکار می‌کردند گوش و دیده و دل‌هایشان آنان را به کار نیامد و آن‌چه تمسخر می‌کردند آنها را فراگرفت! (۲۱ - ۲۶)

و همانا صاحبان قریه‌هائی را، که اطراف شما بودند، هلاک کردیم و آیات عبرت برای مردم قرار دادیم. باشد که از کفر بازگردند! پس چرا معبودانی که از غیر خدا گرفته بودند، که آنها خدایانند و به وسیله آنها به خدا نزدیک شوند، آنها را یاری نکردند؟ بلکه از آنان گم شدند و این است سزای دروغ‌پردازی آنها و آن چه به دروغ می‌ساختند! (۲۷ - ۲۹)

چون تئی چند از پریان را به سوی تو روی آور ساختیم که آیات قرآن را بشنوند وقتی پیش او حاضر گشتند گفتند گوش فرا دهید. و چون (قرانت) به آخر رسید به سوی قوم خود بازگشتند در حالی که بیم‌دهندگانی بودند! گفتند ای قوم ما! ما آیات‌کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده و تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین است و به حق به راه راست هدایت می‌نماید! ای قوم ما! دعوت کننده به سوی خدا را اجابت کنید و بدو ایمان بیاورید تا از گناهانتان درگذرد و شما را از عذاب دردناک برهاند! و هر کس دعوت‌کننده به سوی خدا را اجابت نکند نتواند خدا را در روی زمین ناتوان و عاجز گرداند و وی را جز او یارانی نباشد و آنها در گمراهی آشکارند! آیا کافران نمی‌بینند خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و در آفرینش آنها درنماند، قادر است مردگان را زنده کند؟ بلی! به یقین که او به همه چیزی تواناست. (۳۰ - ۳۳)

و روزی که کافران را به نزدیکی آتش دوزخ آورند (به آنها گفته شود) آیا این حق نیست؟ جواب دهند آری، سوگند به پروردگاران! گویند پس به سبب کفری که کردید عذاب را بچشید! (۳۴) (ای محمد) صبر کن چنان که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای عذاب آنها شتاب ننما. روزی که آنها، آن چه را که به آنان وعده داده شده بود، می‌بینند گویی جز ساعتی از روز درنگ ننموده‌اند و این قرآن پیام خداست. پس آیا جز مردم نافرمان و تبهکار کسی نابود شود؟ (۳۵)